

Sardar Soleimani School and Revival of Emotional Reason in Defense Ideas

Mohsen Pourkhosravani^{1*}

Taibeh Mahmoodi Mohammadabadi^{2**}

Article Info

Article Type:

Research Article

Keywords:

School,

General Soleimani,

Strategy,

Hypertext.

ABSTRACT

One of the questions raised about General Soleimani's defense method is the use of the term school about him. when we talk about school, we are not talking about an individual, but a general strategy in the way of thinking and behavior of a group or organization that follows certain principles. The school cannot be used only in the field of ethics of a person, but the moral principles can be considered as a subset of the components of the school. A person may believe in some principles and follow them, but that person cannot be considered the owner of the school. In cognitive theory, school is a new combination of constant value factors that leads to a new product in the field of thought. Now, we can raise this question, which strategy, thought, behavioral and value style did General Soleimani create, that the term "school" was used for him? Which principles and foundations in General Simani's thought cause innovation in his school? The results of the research project of Haj Qassem Soleimani Research Institute of Shahid Bahonar University , which was carried out using the method and meta-text analysis, show that General Soleimani was able to create a new combination of concepts such as strategic thinking, loving behavior, keeping one's promises and being a reformer. It created concepts. This new combination of concepts created a special thought stream called cognitive product. Finally, this process led to the formation of a new school of thought and behavior of General Soleimani.

Submitted: 4 April 2024

Revised: 9 June 2024

Accepted: 11 June 2024

Published: 10 September 2024



Cite This Article: Pourkhosravani, M., & Mahmoodi Mohammadabadi, T. (2024). Sardar Soleimani School and revival of emotional reason in defense ideas. *Journal of Haj Qassem Soleimani School*, 1(1), 93-102 [In Persian].

Publisher: Shahid Bahonar University of Kerman.

DOI: [10.22103/mhq.2024.23185.1015](https://doi.org/10.22103/mhq.2024.23185.1015)

©The Author(s)


* **Corresponding Author**, Associate Professor of Geomorphology, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. **Email:** pourkhosravani@uk.ac.ir

** Postdoctoral Graduate of Isfahan University and Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

Email: taybeh.mahmoodi@gmail.com

ارزیابی نقش مکتب سردار سلیمانی در ایده‌پردازی‌های دفاعی

محسن پورخسروانی* 

طیبه محمودی محمدآبادی** 

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	مکتب از دیدگاه شناختی ترکیب نوینی از عوامل ثابت ارزشی است که منجر به محصول جدیدی در حوزه اندیشه می‌شود. در همین رابطه از پرسش‌های بنیادی که در مورد شیوه و منش سردار سلیمانی در دفاع مطرح می‌شود به کار بردن اصطلاح مکتب در مورد وی است. به همین علت این پژوهش سعی دارد دارد نقش مکتب سردار سلیمانی در ایده‌پردازی‌های دفاعی را ارزیابی و تحلیل نماید. بدین منظور بیش از ۲۰ کتاب و نوشتار مرتبط با شهید سلیمانی با بهره‌گیری از روش فراتحلیل بررسی و تحلیل گردید و ویژگی‌های خاصی از رفتار، اخلاق و منش فردی قاسم سلیمانی و همچنین عملکرد او در محیط کار استخراج گردید. در مرحله دوم این ویژگی‌ها از نظر شناختی تجزیه تحلیل و از میان ۱۴ ویژگی تنها ۵ ویژگی انتخاب و از نظر معرفتی و مفهوم واژه‌های واکاوی گردید. در مرحله سوم ارتباط و نسبت این ویژگی‌ها با آموزه‌های دینی مشخص و در مرحله پایانی نحوه ترکیب آنها به نحوی که بتواند جریان‌سازی اجتماعی را به دنبال داشته باشد رصد گردید. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سردار سلیمانی با ترکیب مفاهیمی چون راهبردی فکر کردن، محبت رفتاری، وفای به عهد و مصلح بودن توانست ترکیبی جدید از آن مفاهیم به وجود آورد که جریان‌سازی فکری خاصی تحت عنوان محصول شناختی از خود بروز دهد و این فرآیند او را به پایه گذاری مکتبی جدید در رفتار و اندیشه فردی رهنمون ساخت.
کلیدواژه‌ها: مکتب، قاسم سلیمانی، راهبرد، فرامتن.	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۱۶	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۳/۲۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۲۲	
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۶/۲۰	
	

استناد: پورخسروانی، محسن و محمودی محمدآبادی، طیبه (۱۴۰۳). ارزیابی نقش مکتب سردار سلیمانی در ایده‌پردازی‌های دفاعی. مجله مکتب درس/آموز حاج قاسم

سلیمانی، (۱)، ۱۰۲-۹۳.

ناشر: دانشگاه شهید باهنر کرمان

DOI: 10.22103/mhq.2024.23185.1015

©The Author(s)

* نویسنده مسئول، دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. رایانامه: pourkhosravani@uk.ac.ir

** دانش‌آموخته پسادکتری دانشگاه اصفهان و دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. رایانامه: taybeh.mahmoodi@gmail.com

مقدمه

از جمله پرسش‌هایی که غالباً در ذهن اهل تفقه و یا حتی عامه ممکن است متبادر شود، این سؤال خواهد بود که علی‌رغم تلاش‌های ارزشمند بسیاری از فرماندهان نظامی ایران و بی‌بدیل بودن بسیاری از آنها، چه وجه منحصر بفردی در سلوک رفتاری و فکری قاسم سلیمانی وجود داشته که سبب شده است تنها در مورد وی اصطلاح مکتب به کار رود؟ برای درک بهتر چنین موضوعی پرداختن به واژه مکتب از نظر شناختی^۱ می‌تواند ما را در فهم چنین امری یاری دهد. زیرا از نظر شناختی، مکانیسم شناخت در نزد صاحبان مکاتب دارای فرآیند خاصی است و تحلیل چنین فرآیندی راهنمای کلی ما در شکل‌گیری معنا و مفهومی است که در کلام به آن مکتب گفته می‌شود. کالبد شکافی شناختی در این زمینه ما را به کلیت وجودی انسان از نظر زیست‌شناسی رهنمون می‌سازد. همه انسان‌ها از نظر ژنتیکی دارای مولفه‌های مشابه ژنی هستند ولی علی‌رغم محدود بودن تعدد ژن‌ها، نهایی در تولیدگونه‌های انسانی نمی‌توان متصور شد. این بدین معنی است که برای تولید نامحدود از محصولی که عناصر تشکیل دهنده محدودی دارد تنها لازم است زنجیره ارتباط عناصر را تغییر داد. زنجیره‌های ژنتیکی که بصورت رشته‌های موازی تدارک می‌شوند، این قابلیت را دارند که به عدد فاکتوریل عناصر به تولید محصول متنوع مبادرت کنند.^۲ این تمثیل برای شناخت ساختار نحله‌ها و مکاتب فکری نیز صادق است. در حالیکه اصول و مبانی دین اسلام بسیار محدود است ولی تفاوت در ترکیب این اصول و مبانی، می‌تواند تاویل‌ها و تفسیرها و مکاتب متعددی را به وجود آورد. به عبارت دیگر با اینکه اصول دین پنج اصل است، از این پنج اصل محدود احکام متنوع و مختلفی استخراج می‌شود. این امر در حوزه‌های ادبی، هنری و فکری نیز رایج است و می‌توان نمونه‌های بسیاری از آن را به عنوان شاهد مطرح کرد. اما سؤال اصلی در این تحقیق آنست که قاسم سلیمانی در بازی ترکیب، چه اصولی را با چه آرایش ارتباطی به وجود آورده که توانسته است مکتب خود ساخته خود را شکل دهد یا او دارای چه مهارت ذهنی بوده که توانایی چنین ترکیبی را به عنوان محصول جدید فکری از خود بروز داده است. اهمیت این پرسش وقتی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم غالب فرماندهان جنگ معتقد به اصول و اخلاق اسلامی بوده و حتی عامل به آن هم بوده‌اند. همه افرادی که به اصول و مبانی اسلامی معتقد و عامل به آنند را متدین می‌نامند ولی هر متدینی نمی‌تواند مکتب آفرین باشد و نباید انتظار داشت که همه آدم‌ها دارای چنان مهارت ذهنی در ترکیب اصول و مبانی باشند به گونه‌ای که بتوانند محصولی بنام مکتب را به وجود آورند. مکتب^۳ در زبان فارسی در سه وجه مکانی، زمانی و نحله فکری در حوزه‌های فلسفی، هنری، ادبی به کار رفته است. اگرچه پاره‌ای این واژه را جدید و متأثر از تحولات فکری بعد از رنسانس و در زمینه‌های فلسفی، اجتماعی، و صنعتی دانسته‌اند ولی تاریخ علمی و ادبی فکری ملل شرق بویژه ایرانیان نشان از قدمت و به کار بردن آن در حوزه‌های مختلف بویژه نحله‌های فکری دارد. برای مثال وقتی شما از طریقه اهل رأی و قیاس در مقابل طریقه اهل حدیث در علم فقه، و یا مکتب اشاعره در مقابل مکتب معتزله در علم کلام، و یا مسلک اخباریان در مقابل مسلک اصولیان مواجه می‌شوید همه این مکاتب الهام گرفته از چهارچوبه وحیانی بزرگتری است که تحت عنوان دین نشأت گرفته است. شهید صدر مکتب را به شیوه حل مسائل علمی تعریف کرده و آن را یک نوع روش می‌داند که به قواعد کلی می‌پردازد، قواعدی که در مکتب مورد توجه است هر نوع قاعده‌ای را شامل نمی‌شود بلکه قواعد و اصول پذیرفته شده‌ای از جنس ایده‌ها و اعتقادات است. در دانش ادبیات می‌توان از سبک‌های متنوع خراسانی، عراقی و هندی و ... نام برد (انوشه، ۱۳۷۶: ۳۳) و شاعرانی چون سعدی، حافظ، خاقانی و عطار و مولوی رودکی، منوچهری، فردوسی و مسعود سعد سلمان، صائب تبریزی، بیدل، و کاشانی از آن مکاتب تبعیت می‌کرده‌اند اگرچه از نظر شیوه شعری با یکدیگر کاملاً متفاوت بوده‌اند (بهار، ۱۳۷۳: ۸۷).

در تمدن عصر مدرنیته اگرچه همه مکاتب در چهارچوبه معرفتی مدرنیته شکل گرفته‌اند اما مهمترین سبک‌ها و مکاتب‌های ادبی، که بیشتر براساس درون‌مایه آنها دسته‌بندی شده‌اند، عبارتند از مکاتب کلاسیسیم، رمانتیسیم، رئالیسیم، ناتورالیسیم، سمبولیسیم و سوررئالیسیم (سید حسینی، ۱۳۸۷: ۱۲، رورتی^۴ ۱۹۸۲: ۳۴، میرصادقی، ۱۳۹۸: ۶۴ و احمدگیوی، ۱۳۶۷: ۲۳).

^۱ Cognitive

^۲ به طور مثال زیبایی‌شناسی وسیله‌ای است که از یک عدسی و ۵ تا ۹ دانه رنگی تسبیح تشکیل شده است. با چرخش عدسی تعبیه شده بر روی دانه‌های رنگی می‌توان از ترکیب همین

۹ دانه رنگی بی‌نهایت تصویر تولید کرد. به عبارت دیگر با تغییر زنجیره ارتباط عناصر در یک سیستم که عناصر محدود دارد می‌توان خروجی‌های نامحدود تولید کرد.

^۳ School

^۴ Rorty

فلسفه در ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و می‌توان از مکاتب مزدیسنا، مشاء (ارسطو)، مکتب اشراق سهروردی و حکمت متعالیه ملاصدرا، نام برد (هاوگ، ۱۸۶۲: ۶۳ و دین پرست، ۱۴۰۲: ۹۰).

پیشینه تحقیق

اگرچه پژوهش‌های متعددی در رابطه با مکتب سردار سلیمانی انجام گرفته است اما ارزیابی آنها نشان دهنده آن است که بیشتر ویژگی‌های شخصیتی وی تبیین گردیده است و عوامل مؤثر بر مکتب سردار سلیمانی مغفول مانده است. به عبارت دیگر اینکه سردار سلیمانی کدام راهبر، کدام اندیشه و کدام شیوه رفتاری و ارزشی را در مجموعه‌ای به منصف ظهور رسانده بود که اصطلاح مکتب در مورد وی به کار برده شد، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. به طور مثال، اصغری (۱۴۰۱: ۵۶) ضمن تبیین الگوی مدیریتی شهید سلیمانی در جبهه مقاومت بیان می‌کند که، در مکتب سردار سلیمانی تمام مولفه‌های رهبری تحول آفرین با تکیه بر خدا محوری محقق گردیده‌اند و می‌توان سردار سلیمانی را به عنوان الگوی بارز رهبر تحول آفرین در مدیریت معرفی نمود. همچنین **سالاری‌راد، (۱۴۰۱: ۸۸)** با نگاهی به نقش بی‌همتای شهید سلیمانی در دفاع از میهن و منش بارز ایشان و شایستگی‌های اخلاقی وی بر پایه آیات قرآن کریم، فقط به برخی از برجسته‌ترین خصایل و اوصاف ایشان اشاره نموده است. در همین رابطه هرچند گروه محتوایی **مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی (۱۳۹۹: ۵۵)** سعی نموده ویژگی‌های مکتب سردار سلیمانی را تشریح نماید اما در نهایت نتایج تحقیق آنها در ارائه ویژگی‌های شخصیتی سردار سلیمانی خلاصه می‌شود. به طوریکه ایشان نتیجه می‌گیرند که، امتیاز حاج قاسم که مادر، شهادت و بصیرت و ولایت مداری نیز بود، اخلاص و توحید و جهاد اکبر وی بود و این ویژگی راه ایشان را به مکتب تبدیل کرد. همچنین، **حمیدزاده (۱۳۹۸: ۱۳)**، در پژوهشی تحت عنوان، بازنمایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در رسانه‌های غربی نتیجه می‌گیرد که، سردار سلیمانی به عنوان مدیر چیره دست در الگوی حکومت داری اسلامی با تبحر خاصی از نظریه‌های مدیریتی معاصر نیز فراتر رفته و عملکرد ایشان در چارچوب «رهبری» به جای مدیریت ابتدایی را قابل مطالعه می‌داند.

لازم به ذکر است که برخلاف پژوهش‌های صورت گرفته، هدف غایی این پژوهش پرداختن شناختی به مکتب و خلاقیت‌های ذهنی است که سردار سلیمانی در فرآیند شناختی خود در ایجاد مکتب دفاعی خود از آن بهره برده است.

روش شناسی تحقیق

در ابتدا ضرورت دارد که بر این نکته تاکید شود آنچه در اینجا مورد بررسی قرار گرفته در حوزه شناختی است و البته با حوزه شناسی تفاوت فاحش دارد زیرا در حوزه‌های شناختی بیشتر به نحوه عملکرد مغز و الگوهای ذهنی تاکید دارد، لذا دستیابی به اهداف تحقیق با بهره‌گیری از روش فرا تحلیل^۲ صورت گرفته بدین مفهوم که با بررسی و واکاوی تحلیل‌ها و کتب متعددی که درباره سردار سلیمانی نگاشته شده ابتدا ویژگی‌های شاخص ذکر شده در آنها احصاء و سپس با استفاده از مبانی شناخت شناسی نسبت به تحلیل معرفتی آنها اقدام گردید. در این تحقیق بیش از ۲۰ کتاب و نوشتار مورد ارزیابی قرار گرفت و از میان نوشته‌ها و مصاحبه‌های تدوین شده ویژگی‌های خاصی از رفتار، اخلاق و منش فردی قاسم سلیمانی و همچنین عملکرد او در محیط کار استخراج گردید. در مرحله دوم این ویژگی‌ها از نظر شناختی تجزیه تحلیل و از میان ۱۴ ویژگی تنها ۵ ویژگی انتخاب و از نظر معرفتی و مفهوم واژه‌ای واکاوی گردید. در مرحله سوم ارتباط و نسبت این ویژگی‌ها با آموزه‌های دینی مشخص و در مرحله پایانی نحوه ترکیب آنها بنحوی که بتواند جریان‌سازی اجتماعی را به دنبال داشته باشد رصد گردید. این ترکیب بر اساس مفهوم مکتب و پشتیبان‌های معنایی آن به مدل ترکیب شاخص‌ها و نحوه جریان‌سازی فکری که در قالب مفهوم مکتب قابل تبیین است منجر گردید.

بحث و بررسی

از بررسی ۲۰ عنوان کتاب واکاوی شده واژه‌های مندرج در جدول یک انتخاب و استخراج شدند که بشرح مختصری از آن اکتفا شده است.

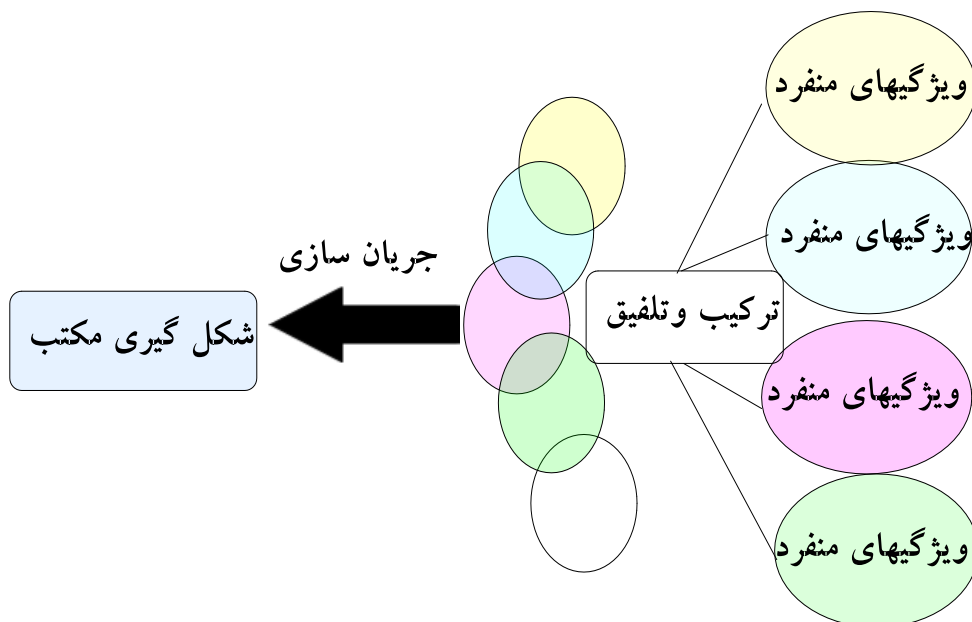
^۱ Haug

^۲ Meta analysis

جدول ۱. ویژگی‌های شاخص سردار سلیمانی، مستخرج از منابع مختلف

عنوان	توضیحات	منبع
نیروسازی و کادرسازی	با راه اندازی گروه‌های شبه نظامی آنها را به صورت یک مجموعه درآورد	سالاری راد (۱۴۰۱)
مدیریت جهادی	با حرکات استراتژیک و حساس همت و مدیریت می‌کردند.	عشقی عراقی و همکاران (۱۳۹۸)
راهبرد دشمن شناسی	شناخت واقعیت دشمنان در صحنه‌های مختلف داخلی، منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای	قلی‌زاده (۱۳۹۹) و قراباغی و ازگلی (۱۳۹۹)
حضور مستقیم در جبهه نبرد	در هیچ یک از نبردهای دنیا بالاترین رده فرماندهی مستقیم در جنگ حضور نمی‌یابند	مکارم شیرازی (۱۳۹۹)
همراه کردن افراد از مذاهب، عقاید، فرهنگ‌ها و سلیقه‌های مختلف	سازماندهی نیروهای اهل تسنن، تشیع، مسیحیان و ... که برای یک هدف مشترک می‌جنگیدند	زندگینامه شهید حاج قاسم
فرماندهی بر قلب نیروها	عشق ورزی و محبت به شخصیت ایشان در بین ملل مختلف وجود داشت (نه فقط ایرانیان)	حاجی صادقی (۱۳۹۸)
استقامت	تا پای جان بر عهده‌ی که بسته بود ایستاده بود	بوداکی و همکاران (۱۳۹۸)
روابط اجتماعی	وظیفه دانستن خدمت به مردم، رسیدگی به ایتم، احترام به پدر و مادر، قدردانی از خانواده و دوستان، توجه ویژه به رکن خانواده، کمک به کار فرهنگی، عدم بی تفاوتی در مسائل اجتماعی، عدالت طلبی، حق‌گویی و حق‌خواهی و دوری از باطل، حلالیت طلبی	عشقی عراقی و خسروی (۱۳۹۸)
خصوصیات فردی	توسل به امامان به خصوص امام عصر(عج)، مدد گرفتن از قرآن، عشق به اهل بیت و شهادت، دوری از عجب، یادمرگ و آخرت، یاد خدا و او را ناظر خود دیدن در همه حال، ارادت و ادای دین به همسر و خانواده، دنیاگریزی و توجه به فانی بودن دنیا، ترکیه و اخلاق مداری، توکل به خداوند و تسلیم بودن و رضای بودن به امر پروردگار، روحیه خدمتگزاری و جهادی، توجه به زمان و وقت کاری، وفای به عهد، شجاع در میدان رزم، خاضع در برابر مقتدا، فداکار	تولایی (۱۳۹۸)
انضباط مالی	توجه به ادای حق الناس، توجه به پرداخت خمس و پرهیز از شبهه و داشتن کسب حلال	عرفانی فر (۱۳۹۹) و مقیمی (۱۳۹۹)
نگرش ولایی	تلقی از خود به عنوان فرزند رهبری، بصیرت به امر ولی فقیه، توجه به ولی عصر (عج)	کریمی (۱۴۰۰) و ترک زاده (۱۳۹۷)
رفتار ولایی	گوش کردن و اجرای فرامین رهبری، سربازی امام عصر، اطاعت از ولی فقیه، استمرار در خط ولایت، زمینه‌سازی جهت تحقق حضور، پشتیبانی و حمایت از ولی فقیه	بانکی‌پورفرد (۱۳۹۷)
حرکت در مسیر نظریه مقاومت و پارادایم سلطه ستیزی	پیروی از قیام عاشورا و هیهات من الذله... کل یوم عاشورا...	حیدری (۱۴۰۲) و یوسفی (۱۳۹۷)
مراجعه به متن مردم	مراجعه به متن مردم را کوتاهترین و کم هزینه‌ترین مسیر برای رسیدن به موفقیت و پیروزی می‌دانستند	موسوی (۱۳۹۸)

همانگونه که در مقدمه اشاره شد داشتن همه این ویژگی‌ها می‌تواند در فردی تجلی داشته باشد با این وصف فرد مورد اشاره، نتواند مکتب‌ساز تلقی شود زیرا تلفیق تنها پاره‌ای از این ویژگی‌ها به گونه‌ای که جریان‌سازی فکری را به دنبال داشته باشد می‌تواند به تأسیس مکتبی منجر شود (شکل ۱).



شکل ۱. فرآیند ترکیب و تلفیق پاره‌ای از اصول و نحوه جریان سازی فکری که منجر به محصولی تحت عنوان مکتب می‌شود.

از جمله ویژگی‌های رفتاری که در غالب کتب و مقالات تحت عنوان مدیریت جهادی از آن نامبرده شده است حکایت از دنباله داربودن هر تصمیم‌گیری اجرایی است که در تعاریف جدید مدیریتی، از آن به عنوان **راهبرد** یاد می‌شود. حتی این ویژگی در شعارهای اولیه اسلام یعنی **الله اکبر و لا اله الا الله** نیز به خوبی منعکس است. این سؤال مطرح است که شعارهای دو یا چند کلمه‌ای چرا تا این حد برای شنونده جذاب و برای مخالفان تحریک برانگیز بوده و هست. این ویژگی را باید در ماهیت راهبردی این کلمات دانست. تقریباً همه انبیاء در انتخاب شعار خود چنین تاکتیکی را به کار می‌گرفته‌اند و به جای وعده‌های معمول سیاسی با به کار بردن واژگانی کوتاه و راهبردی تا عمق شناخت شناسی افراد، نفوذی غیر قابل تصور پیدا می‌کرده‌اند. در این شعائر همواره مخاطبین خود را با تقابل‌های فردی فرا نمی‌خواندند بلکه به طرح جدیدی از نگاه به فراتر از همه آنچه که در عصر خود به خصوصیت و یا تقابل با یکدیگر بوده‌اند فرا می‌خوانند و ذائقه فضای شناختی جامعه را به طور کلی تغییر می‌داده‌اند. مهم‌ترین ویژگی این تاکتیک در برگرفتن همه اقشار یا صنوف با هر نژاد و عقیده‌ای است. به همین خاطر می‌توان شاهد بود که در دایره مغناطیس عملکرد آنها افراد مختلفی چون اقوام، گروه‌ها و مذاهب متعدد حضور دارند و فراتر از وابستگی‌های معمول به عضویت جامعه جدیدی در می‌آیند که تلاقی اصلاح بخشی را در نوستالژی ایده‌ای آنها شکل می‌دهد. این ویژگی سردار سلیمانی را می‌توان حتی در عملکرد دوره جوانی وی نیز مشاهده نمود که نماد بارز آن برخورد با شرور منطقه‌ای عیدوک تجلی پیدا می‌کند.

او با این تاکتیک به خصوصیت با فرد و یا گروه خاصی مبادرت نکرد، بلکه بطور نامحسوسی تار و پود اندیشه‌ای گروه عیدوک را محو و تغییر داد و این تغییر سخت افزاری نبود بلکه با تغییر شناخت شناسی آنها صورت گرفت. نکته بسیار حائز اهمیت راهبردی اندیشیدن در این مسئله، آن است که در تقابل و این نزاع شناختی هیچ کس احساس شکست نمی‌کند بلکه تغییر را تحولی خود خواسته در وجود خود تلقی می‌کند و همین احساس شناختی است که مخاطبان، در این تقابل هرگز خود را بازنده و مغلوب این نبرد نمی‌پندارند بلکه شناخت شناختی آنها، به جنگ با ساختارهای ذهنی‌شان فرستاده می‌شوند. این تاکتیک تنها به اضمحلال گروه عیدوک منجر نشد بلکه تحولی در ساختارهای فکری و معیشتی آنها و خانواده‌هاشان نیز به وجود آورد بگونه‌ای که ضمن تغییر در سبک زندگی، این گروه را به جمعی مدافع و وفادار به نظام تبدیل کرد.

دومین ویژگی شخصیتی قاسم سلیمانی که به مکتبی بودن او کمک نمود فراتر از مدیریت عمل نمودن او بود. وی به عنوان مدیر چیره دست در الگوی رفتاری با تبحر خاصی از نظریه‌های مدیریتی معاصر فراتر رفته و عملکرد او در چارچوب "رهبری" به جای مدیریت ابتدایی مطرح است. به عبارت دیگر میان مدیریت کردن یک جمع یا جامعه با رهبری نمودن آنها تفاوت فاحش دارد و این ویژگی را می‌توان در احساس مخاطبان بخوبی دریافت کرد.

سومین ویژگی که در تلفیق با ویژگی‌های دیگر در شخصیت سردار سلیمانی سبب شکل‌گیری مفهوم مکتب در رفتار او شد را باید محور **محبت رفتاری** او دانست. این ویژگی را سردار سلیمانی از انبیاء و مبشران وحی به میراث گرفته است. انبیا و مبشران وحی به تمامیت، رفتاری محبت‌آمیز از اعماق وجودی خود ابراز می‌داشتند و به همین خاطر هیچ پیامبر و یا مبشر وحی از کشته شدن دشمنان خود احساس شادمانی نکرد و حتی وقتی بر بالین کشته شده خصم خود حاضر می‌شدند هرگز ابراز شادی نکردند که با افسوس و آه از اینکه این افراد خود را به هلاکت افکندند یاد نمودند. هیچ پیامبری و مبشر وحی از آمار کشته شدگان در نزاع‌هایی که برایشان پیش می‌آوردند به افتخار یاد نمودند. زیرا محبت وجودی آنها به بشر، اجازه چنین رفتاری را به آنها نمی‌داد. لذا در نبردها تمام تلاش آنها در باز دارندگی و یا عقیم گذاردن طرح دشمنان خلاصه می‌شد و هرگز در صدد تحمیل تلفات به دشمن نبودند همانگونه که هرگز در شروع نزاع و جنگ پیش قدم نبودند.

چهارمین مؤلفه مکتب سازی سردار سلیمانی پایبندی به **عهد** و میثاق بود. پایبندی به عهد از جمله ویژگی‌هایی است که با ترکیب با محبت و سیاست‌های راهبردی در شکل دادن شخصیت مکتب وی نقش مضاعفی را به عهده داشت. این ویژگی که ابعاد آن دایره‌ای به وسعت دوست و دشمن را در بر می‌گیرد. مخاطبان و رقبا و دشمنان وی را اطمینانی قلبی می‌داد، به گونه‌ای که با انعقاد میثاقی، مخاطب وی بدون هیچ نگرانی از آینده به خوبی می‌دانست که هر واقعه‌ای رخ دهد وی از پیمان خود عدول نخواهد کرد. این بعد شخصیتی سبب می‌شد که شعاع خصومت نزد دشمنان وی، به نوعی احترام تبدیل شود و این احترام نزد دشمنان وی در مقایسه با رفتار دیگران، وی را به عنوان کسی که می‌توان به او و عهد او دل بست معرفی می‌کرد. وفای به عهد وی دو رفتار متفاوت را در مخاطبان وی ممکن بود به وجود آورد. اول آنکه در دراز مدت خصومت به دوستی می‌انجامید و دوم آنکه اگرچه ممکن بود در ظاهر پیمان منعقد شده به ضرر سردار باشد ولی در دراز مدت نتایجی را در برداشت که طرف مقابل با دشواری‌های خاص عملی و اجتماعی چنان در تنگنا قرار می‌گرفت که برای لغو پیمان پیش قدم می‌شد و در آن زمان بود که امتیاز لازم از طرف، کسب می‌شد (ماجرای ابوبصیر و پیامبر^۱).

و اما آخرین ویژگی که رفتار و منش سردار سلیمانی را به مکتب تبدیل نمود اجرای چهارچوبی برای عملیاتی کردن راهبردهای وی بود که در اصطلاح به آن رهبری به جای مدیریت گفته می‌شود. بدیهی است که بسیاری از افراد می‌توانند مدیر شایسته‌ای باشند ولی تنها مصلح بودن به چارچوبه‌ای ماندگار بدل می‌شود، همین‌طور عکس آن نیز می‌تواند صادق باشد؛ یعنی ممکن است یک فرد صاحب

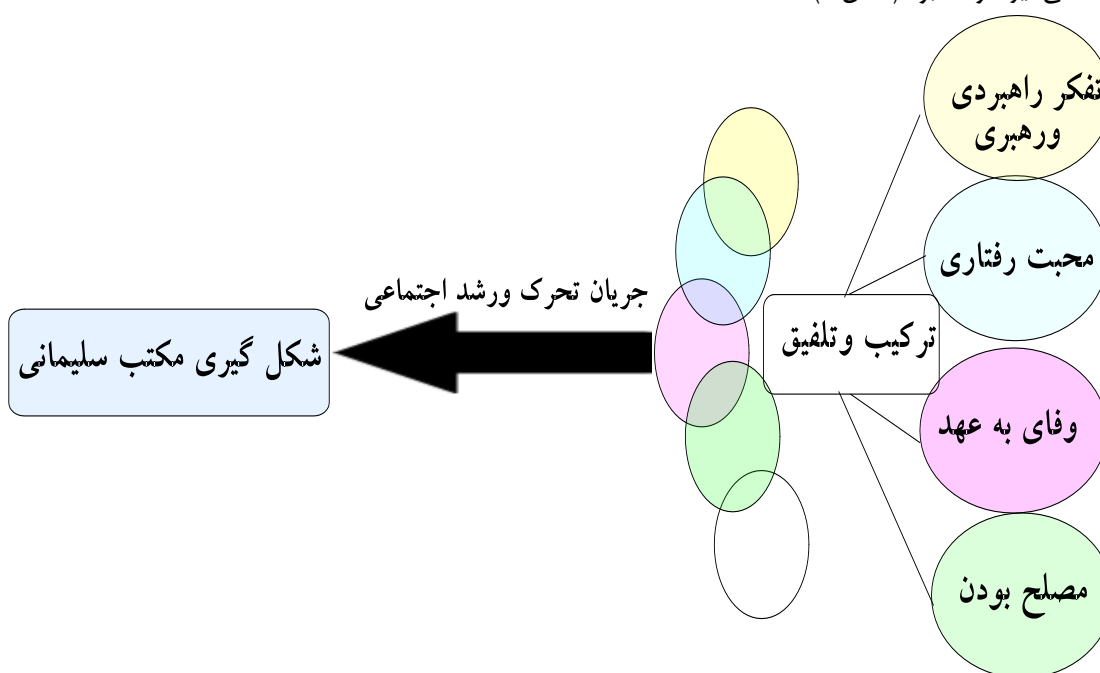
در مورد ابوبصیر ثقفی ماجرا به صلح حدیبیه بر می‌گردد. یکی از مفاد صلح حدیبیه این بود که «مسلمانان تعهد شدند افرادی را که از مکه به مدینه می‌گریزند، به مکه بازگردانند، اما طرف مقابل چنین تعهدی نسبت به فراریان مدینه نداشت. این امر باعث شد که برخی صحابه سخنان درشت و سؤالات طعنه آمیزی در مورد پیامبر (ص) بگویند و این صلحنامه را باعث حقارت مسلمانان بدانند. مسلمانان به نام «ابو بصیر»، که مدت‌ها در زندان مشرکان بسر می‌برد، با تدابیر مخصوصی به مدینه گریخت. دو شخصیت بزرگ به نام «زهر» و «خنس»، با پیامبر گرمای مکاتبه نموده و یادآور شدند که طبق ماده دوم، باید «ابو بصیر» را بازگردانید. پیامبر (ص) طبق تعهدی که کرده بود به «ابو بصیر» گفت: باید پیش آنها باز گردی و هرگز صحیح نیست ما از در حيله با آنان وارد شویم. من مطمئن هستم که خداوند وسیله آزادی تو و دیگران را فراهم می‌سازد و او را به دست نمایندگان قریش سپرد و به سوی مکه حرکت داد. وقتی آنان به «ذی الحلیفه» رسیدند، ابوبصیر نگرانی خود را کشت و فرار کرد. نماینده قریش به نزد پیامبر آمد و طلب بازگرداندن وی را نمود. پیامبر بر عهد خویش مصر بودند بسیاری معتقد بودند که بازگرداندن ابوبصیر باتوجه به قتل نماینده قریش

حتماً او را خواهند کشت و برای بسیاری از صحابه این امر کشته شدن یک تازه مسلمان وفادار تلقی می‌شد. ابابصیر وقتی از قصد پیامبر مطلع شد شبانه گریخت و در منطقه‌ای واقع در ساحل دریا که کاروان قریش از آنجا عبور می‌کرد در نقطه‌ای به نام «عیص» مسکن گزید و این پیام را برای رسول خدا فرستاد اگر هفتاد بار مرا تحویل قریشیان دهی هرگز از ایمان خود خدای تو و رسالت تو دست بر نمی‌دارم.

مسلمانان مکه، که از سرگذشت ابو بصیر آگاه شدند پس افرار از مکه به نزد ابوبصیر می‌رفتند گویا قریب هفتاد نفر از چنگال قریش فرار کرده و در مقر او گرد آمدند. آنها که از شکنجه قریش به ستوه آمده بودند، نه زندگی داشتند و نه آزادی. تصمیم گرفتند که کاروانهای تجاری قریش را غارت نمایند. آنان آنچنان ماهرانه نقش خود را بازی کردند که قریش را به ستوه آوردند تا آنجا که قریش با پیامبر اسلام مکاتبه نمودند که این ماده را با رضایت طرفین الغاء کند پیامبر (ص)، ماده مزبور را با رضایت هر دو دسته ملغی ساخت و فراریان را که در نقطه «عیص» مسکن گزیده بودند، به مدینه فرا خواند.

مکتب باشد اما مصلح نباشد لذا فیما بین مصلح بودن و مکتب سازی لزوماً رابطه زوجیت (دوال یا کوپل) برقرار نیست به تعبیری اگر یک فرد با علم و دانش در حوزه‌ای خاص، مکتب ایجاد کند ایشان را صاحب مکتب می‌نامند اما این فرد تنها به لحاظ فکری صاحب مکتب است و خود اجرا کننده آن مکتب ممکن است نباشد و تحولی خاص در جامعه به وجود نیاورد. همچنین عکس این قضیه نیز صادق است ممکن است فردی مصلح اجتماعی باشد اما صاحب مکتب نباشد.

سردار سلیمانی قدرت برقرار رابطه زوجی بین این دو ویژگی (مکتب سازی و مصلح بودن) را داشت و از همین رو با جریان سازی در جوامع مختلف همجواری ایران سبب رشد اجتماعی آحاد آن جوامع گردید. به عبارت دیگر مصلح بودن و اصلاح کردن، قرین رشد است و اصلاح تنها رفع یک نقیصه نیست اگرچه قادر است سبب رفع یک نقیصه نیز بشود؛ اما این مرتفع شدن تحریک کننده و موتور یک رشد اجتماعی نیز خواهد بود (شکل ۲)



شکل ۲. ترکیب اصول اصلی منش سردار سلیمانی و نحوه تلفیق آنها در ایجاد جریان سازی و شکل گیری مکتب او

نسبت مولفه‌های جریان ساز و شناخت شناسی

هر جریانی تابع عواملی است که با نسبت خاصی با یکدیگر ترکیب و جریان را به وجود می‌آورد. در واقع به وجود آمدن جریان، حکایت از نوعی رشد و آزاد شدن انرژی دارد. در جامعه شناسی جریان‌های اجتماعی نیز تابع همین اصل است. اما در مورد هر جریان اجتماعی چند نکته اساسی وجود دارد یکی ماندگاری و استمرار آن است و دوم آنکه در چه قشری می‌تواند چنین جریان سازی به وجود آید که در اصطلاح به ویسکوزیته جامعه مخاطب بستگی پیدا می‌کند.

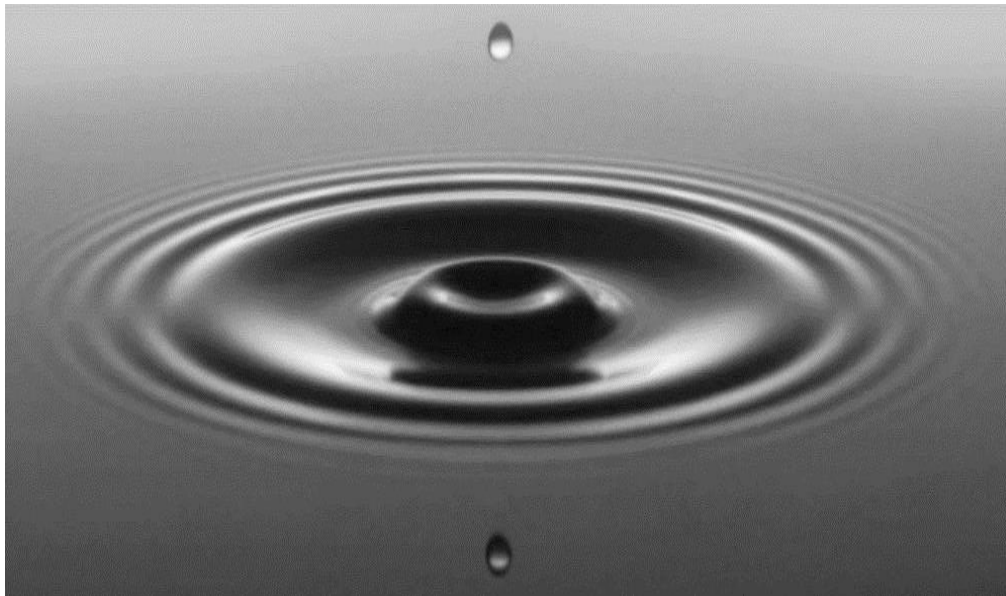
حجم جریان ایجاد شده اجتماعی به دو مؤلفه ترکیبی سرعت رشد (V) و جمعیت مخاطبی (S) بستگی دارد که به ایده‌ای معتقد و یا جذب آن می‌شوند. این قاعده در علوم طبیعی با رابطه زیر بیان می‌شود (علیزاده، ۱۳۹۴: ۲۶۵).

$$Q=S*V^1$$

¹ جریان اجتماعی=Q
جمعیت مخاطب=S

سرعت رشد=V

اما استمرار و ماندگاری جریان‌های اجتماعی تابع طول موج ایده منتشر شده و چگالی محیط اجتماعی است. هرچه طول موج ایده منتشر شده کوتاه‌تر باشد بدان معنی است که از عمق هویت تاریخی و اجتماعی بیشتری برخوردار است و کمتر احساسی و زود گذر است لذا امواج ایده‌ای که در بطن حافظه تاریخی اجتماعی دارای سابقه و عمق بیشتری است ماندگارتر خواهد بود. اما ویسکوزیته جامعه مخاطب تعیین‌کننده گسترده و شعاع گستردگی و انتشار ایده‌ای در جامعه محسوب می‌شود. معمولاً سن، طبقات اجتماعی و قومیت‌ها از عناصر اصلی ویسکوزیته اجتماعی به حساب می‌آیند و هرچه ایده‌ها فراتر از این عوامل و در دایره حقوق بشری مطرح شود بیشتر می‌تواند جوامع گوناگون را متأثر سازد و شعاع انتشار آن قوی‌تر و برد انتشار، طیف وسیع‌تری را در بر می‌گیرد (شکل ۳).



شکل ۳. نحوه انتشار امواج در سیالات. همین قاعده در مورد پدیده‌های فرهنگی و جوامع انسانی صادق است

نتیجه‌گیری

به‌کار بردن و متصف داشتن واژه مکتب در ادبیات محاوره‌ای و معرفت‌شناسی تنها یک لقب اهدایی از سوی این و آن به یک فرد تلقی نمی‌شود بلکه حکایت از یک ویژگی شناختی دارد. هر فردی توانایی ذهنی برای تلفیق و ترکیبی نو از اصول و مبانی تعریف شده به گونه‌ای داشته باشد که محصول جدید شناختی تولید نماید و بتواند جریان فکری خاصی را به‌وجود آورد، او را می‌توان صاحب مکتب دانست. بر همین اساس پژوهش حاضر بر خلاف پژوهش‌های قبلی که جنبه‌های شخصیتی سردار سلیمانی را ارزیابی و تحلیل کرده‌اند، سعی نموده است، ضمن تبیین ویژگی‌ها و مهارت‌های ذهنی سردار سلیمانی علت اینکه ایشان به عنوان خالق مکتبی خاص معرفی می‌شود را تحلیل نماید. به طور مثال هرچند بسیاری از فرماندهان دفاع مقدس مومنانی صدیق بودند که همان اصول و صفات را در رفتار خود بروز و یا عامل به آن بودند ولی از مهارت ذهنی در ترکیب و تولید محصول جدید معرفتی بی‌بهره بودند.

بر همین اساس و با توجه به مطالبی که ذکر شد، نتایج تحقیق نشان می‌دهد سردار سلیمانی با ترکیب مفاهیمی چون راهبردی فکرکردن، محبت رفتاری، وفای به عهد و مصلح بودن توانست ترکیبی جدید از آن مفاهیم به‌وجود آورد که جریان‌سازی فکری خاصی تحت عنوان محصول شناختی از خود بروز دهد و این فرآیند او را به پایه‌گذاری مکتبی جدید در رفتار و اندیشه فردی رهنمون ساخت. مکاتب غالباً الگوهای خاصی از رفتار را در برابر مسائل پیش آمده ارائه می‌دهند که به واسطه نو بودن آن الگوها برای مخاطبان جذاب و در حل مشکلات و معضلات

کهنه جوامع، قدرت رفع و حل دارند. از این رو همواره صاحبان مکاتب اجتماعی توانمندی بالایی در نوآوری‌های ذهنی برای حل معضلات اجتماعی داشته و مخاطبان گوناگون و گاه متضادی را حول محوری مشترک به توافق می‌رساند.

تقدیر و تشکر

بدینوسیله از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه‌های اصفهان و شهید باهنر کرمان به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- احمد گیوی، حسن (۱۳۶۷). نگارش فارسی. چاپ اول. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اصغری، ملیحه (۱۴۰۱). تبیین الگوی مدیریتی شهید سلیمانی در جبهه مقاومت. *فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی*، ۱۱(۳)، ۱۹۹-۱۷۷. https://www.iabaj.ir/article_169730.html
- انوشه، حسن (۱۳۷۶). فرهنگ نامه ادبی فارسی (دانش نامه ادب فارسی). چاپ اول. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- بانکی پورفرده، امیرحسین (۱۳۹۷). شناخت مدیران از منظر ولایت. انتشارات حدیث راه عشق.
- بهار، محمد تقی (۱۳۷۳). سبک شناسی. چاپ هفتم. تهران، چاپخانه سپهر.
- بوداقی، حسین و شادی، سمیرا (۱۳۹۸)، ابعاد، شاخص‌ها و مولفه‌های مدیریت جهادی در فرهنگ غدیر. سومین همایش بین المللی فرهنگ غدیر الگوی مدیریت جهادی. ترک‌زاده، جعفر (۱۳۹۷). تدوین الگوی مدیریت جهادی مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری. *فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، سال بیستم، شماره ۷۵.
- تولایی، محمدعلی (۱۳۹۸) شرح دلبری. مؤسسه جوانان استان قدس رضوی، مشهد.
- حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۹۸). مشرق نیوز. نه ویژگی سردار شهید دل‌ها حاج قاسم سلیمانی. <https://www.mashreghnews.ir/news/1051991/%DB%B>
- حمیدزاده، محسن (۱۳۹۸). بازنامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در رسانه‌های غربی؛ مطالعه موردی سردار قاسم سلیمانی در شش نشریه غربی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ میلادی. *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات.
- حیدری، فاطمه (۱۴۰۲). ویژگی‌های شهید حاج قاسم سلیمانی در بیان مقام معظم رهبری (مدظله العالی). *نخستین همایش ملی نقش فرهنگ، هنر و رسانه در شناسایی مکتب سردار شهید حاج قاسم سلیمانی*.
- زندگینامه شهید حاج قاسم سلیمانی از روزهای نخست زندگی تا دیدار معبود (۱۳۹۸). آفتاب نیوز.
- سالاری راد، معصومه (۱۴۰۱). شاخص‌ترین اوصاف شهید سردار حاج قاسم سلیمانی بر مبنای آیات قرآن کریم. *مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه*، ۶(۱۲)، ۴۶-۲۷.
- سید حسینی، رضا (۱۳۸۷). مکتب‌های ادبی. چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات نگاه.
- عرفانی فر، علی (۱۳۹۹). نقش راهبردی حاج قاسم سلیمانی در شکل‌گیری محور مقاومت و مدیریت توحیدی آن. *حکمرانی متعالی. مدرسه حکمرانی شهید بهشتی*، ۱، ۶۳-۷۹.
- عشقی عراقی، مهتاب و خسروی، صفورا (۱۳۹۸) تعیین رابطه بین ابعاد ساختاری، رفتاری و زمینهای مدیریت جهادی جهت تحقق اقتصاد مقاومتی به روش خطی (مطالعه موردی: دانشگاه پیام نور استان مرکزی - مرکز اراک). *اولین کنفرانس ملی اقتصاد مقاومتی در اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری*، دانشگاه پیام نور اراک.
- عشقی عراقی، مهتاب؛ خسروی، صفورا و خداداد، مهدی (۱۳۹۸). تعیین ارتباط بین مدیریت جهادی و فرهنگ جهادی با رویکرد استراتژیک و بنیادی. *جهان نوین*، ۲(۵)، ۱-۱۴.
- علیزاده، امین (۱۳۹۴). اصول هیدرولوژی کاربردی. چاپ بیست و هشتم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- قرباغی، میثم و ازگلی، محمد (۱۳۹۹). واکاوی سبک رهبری سردار سلیمانی الگوی متعالی رهبری خدمتگزار. *مدیریت اسلامی*، ۲۸(۴)، ۱۹۹-۱۱۳. https://journals.ihu.ac.ir/article_205889.html
- قلی‌زاده، مجید (۱۳۹۹). هجر حبیب. ویژه نامه تسنیم به مناسبت اولین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی و یارانش. خبرگزاری تسنیم.
- کریمی، ابوالفضل (۱۴۰۰). نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت. ص ۳ و ۵؛
- گروه محتوایی مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی (۱۳۹۹). مکتب سلیمانی (مروری بر آنچه حاج قاسم را سلیمانی کرد). مشهد. انتشارات موسسه خدمات مشاوره‌ای و پژوهش های اجتماعی آستان قدس رضوی.
- مقیم، سید محمد (۱۳۹۹). رهبری اخلاص مدار، جوهره مکتب سردار سلیمانی. *مجله مدیریت اسلامی*، ۲۸(۴)، ۹۲-۳۳. https://journals.ihu.ac.ir/article_205894.html
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۹). پیام تصویری حضرت آیت الله مکارم شیرازی به دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی: مکتب شهید سلیمانی؛ الگوی تربیت مدیران جهادی به آدرس اینترنتی <http://www.ihu.ac.ir/index.jsp?keyid=&siteid=1&pageid=134&newsview=1816>

- منوچهر. (۱۴۰۲). فلسفه در ایران باستان: آغاز و انجام. گفت و گو با اشک دالن. *اطلاعات حکمت و معرفت*، ۱۸(۱)، ۴۲-۴۸.
- موسوی، سید محمد (۱۳۹۸). مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در دفاع از حریم اهل بیت. *مطالعات بیداری اسلامی*، ۱۸(۱)، ۷۵-۱۰۰. https://www.iabaj.ir/article_121683.html
- میرصادقی، میمنت (۱۳۶۸). شناخت مکتب‌های ادبی: مکتب ادبی چیست؟ چیستا، ۲(۵۹)، ۶۲۱-۶۱۸.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۹۷). نقش شهدای مدافع حرم بر همگرایی منطقه‌ای. *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۱۹(۴)، ۱۸۴-۱۴۳. <https://www.magiran.com/paper/2011838>


References

- Haug, M. (1862). *Essays on the sacred language, writings and religion of the Parsees*. Bombay: Bombay Gazette Press, Available from: https://books.google.com/books?id=eW8IAAAAQAAJ&printsec=frontcover&source=gbs_ge_summary_r&cad=0#v=onepage&q&f=false.
- Rorty, R. (1982). *Consequences of pragmatism*, Minneapolis: University of Minnesota Press, [https://sites.pitt.edu/~rbrandom/Courses/Antirepresentationalism%20\(2020\)/Texts/Rorty%20CP%20Introduction.pdf](https://sites.pitt.edu/~rbrandom/Courses/Antirepresentationalism%20(2020)/Texts/Rorty%20CP%20Introduction.pdf).

تقييم دور مدرسة سردار سليمان في الأفكار الدفاعية

* محسن بورخسرواني ID

** طيبة محمودى محمدآبادى ID

معلومات المادة	خلاصة
نوع المقال: مقال بحثي	ومن الناحية المعرفية فإن المدرسة عبارة عن مزيج جديد من عوامل القيمة الثابتة التي تؤدي إلى منتج جديد في مجال الفكر وفي هذا الصدد، فإن أحد الأسئلة الأساسية المطروحة حول أسلوب سردار سليمان وشخصيته في الدفاع هو استخدام مصطلح المدرسة عنه ولهذا يحاول هذا البحث تقييم وتحليل دور مدرسة سردار سليمان في الأفكار الدفاعية ولهذا الغرض، تم فحص وتحليل أكثر من ٢٠ كتاباً وكتاباً تتعلق بالشهيد سليمان باستخدام أسلوب التحليل التلوي، وتم استخلاص السمات المميزة لسلوك قاسم سليمان وأخلاقه وشخصيته وأدائه في بيئة العمل وفي المرحلة الثانية تم تحليل هذه السمات معرفياً، وتم اختيار ٥ سمات فقط من بين ١٤ سمّة وتحليلها من الناحية المعرفية ومعنى الكلمة وفي المرحلة الثالثة تم تحديد علاقة ونسبة هذه الخصائص إلى التعاليم الدينية، وفي المرحلة النهائية تم ملاحظة كيفية الجمع بينها بما قد يؤدي إلى الانسيابية الاجتماعية وتظهر نتائج البحث أن سردار سليمان، من خلال الجمع بين مفاهيم مثل التفكير الاستراتيجي، المودة السلوكية، والوفاء بالوعد، وكونه مصلحاً، تمكن من خلق مزيج جديد من تلك المفاهيم من شأنه أن ينتج تدفقاً فكرياً خاصاً تحت عنوان المنتج المعرفي، وارتكزت هذه العملية على تأسيس مدرسة جديدة في السلوك الفردي والفكر كان مرشداً لها.
الكلمات الرئيسية: مدرسة، قاسم سليمان، استراتيجية، نص تشعبي.	
تاريخ الاصدار: ٢٤ رمضان ١٤٤٥ تاريخ المراجعة: ٢ ذوالحجة ١٤٤٥ تاريخ التبول: ٤ ذوالحجة ١٤٤٥ تاريخ النشر على الإنترنت: ٦ ربيع الاول ١٤٤٦	
	

إقتباس: بورخسرواني، محسن و محمودى محمدآبادى، طيبة (١٤٠٣). تقييم دور مدرسة سردار سليمان في الأفكار الدفاعية. مجلة مدرسة الحاج قاسم سليمان التعليمية، (١)، ١٠٢-٩٣. الناشر: جامعة الشهيد باهر كرماني

DOI: 10.22103/mhq.2024.23185.1015

©The Author(s)

* مؤلف مراسل، أستاذ مساعد، قسم الجغرافيا، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة الشهيد باهر في كرماني، كرماني، إيران. بريد إلكتروني: pourkhosravani@uk.ac.ir

** خرج ما بعد الدكتوراه من جامعة أصفهان وجامعة الشهيد باهر في كرماني، كرماني، إيران. بريد إلكتروني: taybeh.mahmoodi@gmail.com